



ضرورت استمرار همکاری های مالی بین المللی

بنظر می رسد که رشد اقتصادی در بین اقتصادهای بزرگ در حال تقویت شدن است ولی این موضوع به معنی متوقف شدن مقررات بخش مالی نیست. بر عکس در شرایط فعلی لزوم استمرار اجرای مقررات مذکور بیش از قبل ضرورت دارد و همکاری های بین المللی در این زمینه ایمنی و مقاومت پذیری بازارهای سرمایه جهانی را تضمین خواهد نمود.

به همین دلیل وزیرای مالی و روسای بانک های مرکزی کشورهای عضو گروه ۲۰^۱ طی ملاقات خود در روزهای ۱۷ و ۱۸ مارس ۲۰۱۷ در شهر بادن- بادن آلمان، مجدداً حمایت خود را از ادامه اصلاحات بخش مالی، اعلام کردند.

اگرچه بحران های مالی طی قرن های گذشته به دفعات تکرار شده است ولی بحران های مالی جهان در سال ۲۰۰۸ از حیث شدت، اندازه و پایداری اثرات آن، قابل توجه و استثنایی بود. بحران های مالی نه تنها باعث ایجاد زیان های مالی برای سرمایه گذاران حرفه ای می شود بلکه مهتر از آن، هزینه های انسانی را بر کسانی که شغل، خانه و پس اندازهای خود را از دست می دهند، تحمیل می کند. معمولاً دولتها، برای محافظت از شهروندان، یک سری از قواعد و مقررات مالی را به منظور کاهش ریسک بروز اشتباهاتی که می تواند به کل اقتصاد دامن بزند، تنظیم و تصویب می کنند. مقررات مذکور شامل استانداردهای مربوط به ترازنامه ها، قواعد تجارت داخلی، تعارض بین قوانین کلان تر و نحوه حمایت از مشتریان است.

برخی بر این باورند که این مقررات بیش از حد اعمال می شود و اغلب باعث آسیب رساندن به اقتصاد از طریق کاهش سود نهادهای مالی و در نتیجه تضعیف توانایی آنها برای تامین خدمات ضروری می گردد. آنها ادعا می کنند که بانکها و سایر نهادهای مالی- بر اساس تمایلات سهامدارانشان فعالیت می کنند- حتی در صورت اجتناب از ورشکستگی، بدلیل لطمه وارده به اعتبار آنها، در نهایت مجبور به خروج از کسب و کار خواهند شد. این مطلب با شواهد تاریخی بسیاری در مورد رفتارهای بی پروا از جمله اوج دریافت وام های بدون پشتوانه در اوایل ۲۰۰۰، مطابقت ندارد. همچنین حتی زمانی که مدیران مالی اقدام به ارزیابی ریسک های شخصی می کنند، ممکن است از منظر جامعه به اندازه کافی معقول بنظر نرسد زیرا برخی از هزینه های شکست آنها بدلیل کمک مالی دولتها، بر سایرین از جمله سهامداران و پرداخت کنندگان مالیات، تحمیل می شود.

طی پنجاه سال گذشته با توسعه فعالیت های مالی و عبور آن از مرزها، وظیفه نظارت بر بخش مالی بدلیل پیچیده تر شدن آن، هرگز آسان نبوده است و به همین دلیل دولتهای کشورهای مختلف تصمیم به همکاری برای تقویت ثبات و ایجاد محدوده فعالیت مشخص در بازارهای مالی بین المللی گرفته اند.

طیف جهانی بازار مالی مدرن، حداقل چهار عارضه را برای تنظیم کننده های مقررات ملی و ناظران این حوزه ایجاد می کند. اولین مورد این است که ارزیابی نهادهای مالی که اقدام به توسعه فعالیت خود فراتر از محدوده ملی می کنند، دشوار است. دوم اینکه بنگاه های مالی از مزیت تفاوت بین مقررات کشورهای مختلف با هدف تمرکز دهی فعالیت های پر ریسک خود در مکان های با مقررات سبک تر، استفاده می کنند. سومین عارضه این است که خاتمه دادن به

^۱ Group of Twenty (G۲۰)



معاونت بررسی های اقتصادی

فعالیت نهادهای پیچیده مالی که عملیات آنها وابسته به چندین حوزه قضایی ملی می شود، دشوارتر است. چهارمین مورد مربوط به رقابت فعال کشورها برای کسب و کارهای مالی بین المللی ضمن پشتیبانی از قهرمانان ملی از طریق اعمال استانداردهای سهل انگارانه، است. تمامی عوامل فوق ثبات نظام مالی جهان به ویژه نهادها و شبکه های مالی را که پیچیده تر هم شده اند، را تهدید می کند.

اجماع برای همکاری های بین المللی

برای مقابله با این چالش ها، در سال ۱۹۷۴ تحت نظر کمیته بازل^۲ در زمینه نظارت بانکی، فرآیندی برای مشاوره و نظارت، تنظیم و معرفی شد. کمیته بازل بر قواعد بانکی تمرکز دارد و هیات ثبات مالی^۳ که توسط گروه کشورهای ۲۰ بعد از بحران های مالی ۲۰۰۸ ایجاد شد وظیفه هماهنگی توسعه سیاست های مالی در میان بازارهای مالی بین المللی، گرد هم آوردن مقامات ملی، نهادهای مالی بین المللی و تنظیم کننده های استانداردهای بخشی را برعهده دارد.

دولتها از طریق کمیته بازل و هیات ثبات مالی با یکدیگر همکاری می کنند زیرا با توجه به این واقعیت که بانکها و نهادهای مالی در سطح بین المللی فعالیت دارند، دیگر هیچ مقام ملی واحدی نمی تواند ثبات نظام مالی کشورش را به تنهایی تضمین کند. موافقت نامه های بین المللی در زمینه قواعد و استانداردهای نظارتی از طریق ایجاد عرصه رقابت برای صنعت مالی، مانع از دلسرد شدن فعالان مالی در رقابت مذکور می شود. رقابت در زمینه مقررات زدایی بیش از حد در بخش بازارهای مالی، منجر به وخیم تر شدن اوضاع می شود زیرا احتمال بروز حوادث مالی را افزایش داده و زمانی که این حوادث اتفاق می افتد، معمولاً شدیدتر هستند و انتشار برون مرزی آنها نیز گسترده تر خواهد بود.

بعد از بحران های ۲۰۰۸، کمیته بازل طی اقدامی تحت عنوان بازل ۳^۴، که شامل استانداردهای حداقلی بالاتری هم از حیث کیفیت و هم کمیت برای سرمایه بانکها بود، مقررات جدیدی را برای بانکها تنظیم نمود. در عین حال که مقدار کافی از سرمایه برای بانکها ضروری است، سطوح بالاتر سرمایه هم می تواند تهدیدهایی به همراه داشته باشد و از همین رو معیارهای اضافه تری در بازل ۳ برای کاهش ریسک بانکها در نظر گرفته شد. اگرچه مدت زیادی از تنظیم بازل ۳ نمی گذرد ولی برخی از بانکها از ترکیب سرمایه بهتری برخوردار شده اند و آسیب پذیری کمتری در برابر تلاطمات، در مقایسه با دهه قبل دارند.

در امریکا، بانکها از طریق افزایش سرمایه و اصلاح ساختار بعد از بحران ها، در مقایسه با کشورهایی که این اقدامات را انجام ندادند، سریعتر بهبود یافتند. اما نظام مالی جهان به بیش از صرف اعمال محدودیت های ترازنامه ای بانکها، نیاز دارد. به موازات توسعه استانداردهای بازل ۳، هیات ثبات مالی رویکرد مشابهی را برای نحوه مدیریت شکست در بزرگترین و سیستماتیک ترین نهادهای مالی، خلق نمود. نحوه متوقف نمودن ایمن نهادهای غیر کارآمد مالی به ویژه زمانی که بزرگ، بین المللی و پیچیده هستند، مهم است. در صورت عدم تحقق درست این امر، احتمال ارائه کمک های مالی دولت، ریسک پذیری بیش از حد و ایجاد اختلال و از بین رفتن نظم در بازار تقویت می شود.

^۲ Basel Committee on Banking Supervision

^۳ Financial Stability Board

^۴ Basel III



معاونت بررسی های اقتصادی

بدون تردید، قواعد مالی با بده-بستان هایی همراه است. در اصل، نیاز به سرمایه و نقدینگی بیشتر باعث افزایش هزینه تامین مالی برای خانوارها و کسب و کارها و یا کاهش نقدینگی بازار می شود. تاکنون، مطالعات نشان داده است که هر نوع عواقب ناخواسته، نسبتاً کوچک است در حالی که مزایای نظام مالی ایمن، بمراتب بزرگتر است.

اگرچه امروز نظام مالی جهانی امن تر است ولی این واقعیت نیز وجود دارد که مقررات مالی پیچیده تر شده اند. به عنوان نمونه در امریکا، قانون اصلاحات وال استریت و حمایت از مصرف کننده Dodd-Frank^۵ بیش از هزار صفحه دارد که بدنبال آن هزاران صفحه هم مربوط به نحوه اجرای آن قوانین می شود. بدون شک، فضا برای ساده سازی مقررات وجود دارد. مقررات مربوط به بانکها را نیز می توان بدون افزایش ریسک و از طریق آزمون های استرس که مقاومت بانکها را در برابر شوک های اقتصادی و مالی ارزیابی می کند، ساده تر نمود.

در همین زمان، لازم است که اصول جدید رژیم تنظیم گری جهانی حفظ شود. برخی اظهار می کنند که مقاومت نسبی بازارهای مالی طی سالهای اخیر که تا حدودی ناشی از استانداردهای توافق شده بین المللی است بیشتر بر روی موضوع رشد تمرکز یافته است. این نقطه نظر کوتاه بینانه است. همانطور که آقای Hyman Minsky^۶ نویسنده شناخته شده در زمینه بحران های مالی، اشاره کرده است "موفقیت، بی توجهی در مورد احتمال بروز شکست، را پرورش می دهد...". به عبارت دیگر سیاست گذاران نباید درس های سخت گذشته نه چندان دور، را فراموش کنند. استمرار همکاری های مالی بین المللی، به عنوان بنیانی محکم از یک اقتصاد مستحکم و قوی جهانی، ضروری است.

منبع:

Why International Financial Cooperation Remains Essential, March ۲۳, ۲۰۱۷

^۵ The Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act